

بررسی تطبیقی واکه های کوتاه زبان فارسی و عربی و نقش آنها
در فراینده های آوایی و تغییر معنایی
المصوتات القصيرة في اللغة الفارسية والعربية ودورها في العمليات
الصوتية والتغيير الدلالي- دراسة مقارنة

*A comparative study of the short vowels in Persian
and Arabic and their role in phonological processes
and semantic change.»*

أ.م.د. أمير كاظم الكلابي(*)

Dr. Ameer Kadhum Abbas

Ameerk.alshawerdi@uokufa.edu.iq

أ.م.د. اياد محمد حسين(**)

Dr. Ayad M. Hussain

iyad.alshammari4@uobabylon.edu.iq

الخلاصة:

تداخلت اللغة العربية والفارسية بشكل ملحوظ نتيجة للظروف والعوامل المختلفة. ولذلك، نلاحظ أن هاتين اللغتين تتشابهان في بعض المفردات، رغم أنهما تنتميان إلى عائلتين لغويتين مختلفتين. فاللغة الفارسية، التي تُعد لغة هندوأوروبية، تُعد ثاني لغة في العالم الإسلامي بعد اللغة العربية، وقد عُرفت عبر العصور كوعاء للفكر والعلم والشعر والأدب.

بسبب الجوار الثقافي والتفاعل وقبول الإسلام واعتماد الخط العربي، استعارت كل من اللغتين العديد من المفردات من اللغة الأخرى. ومع ذلك، فإن نطق العديد من الكلمات العربية المستعارة في الفارسية يختلف. على سبيل المثال، الكلمة العربية «قَطَار» (qetār) تُنطق في الفارسية «قَطَار»

(*) جامعة الكوفة / كلية الإدارة والاقتصاد

(**) جامعة بابل/ مركز بابل للدراسات الحضارية والتاريخية.

(qatär). وهذه السمة تنطبق أيضًا على كلمة «عراق» (Eraq) التي تُنطق في الفارسية «عراق» (Araq).

إضافةً إلى ذلك، هناك كلمات فارسية أصلية تختلف في النطق والمعنى عن نظيراتها في العربية. فبعض الكلمات تبدو متشابهة في النطق والكتابة، لكنها تحمل معاني مختلفة، مما يعطي انطباعًا بوجود نوع من الجنس التام بين لغتين مختلفتين. على سبيل المثال، الكلمة العربية «خَس» (Xas) تختلف عن الكلمة الفارسية «خَس» (Xas) التي تعني القش والعشب، بينما «خَس» في العربية تعني الخس (نبات). وهناك كلمات في اللغتين تتشابه في الكتابة لكنها تختلف في النطق والمعنى، مثل الكلمة العربية «دُر» (Dor) التي تعني اللؤلؤ، والكلمة الفارسية «دَر» (Dar) التي تعني الباب. ويعود السبب الرئيس في هذه الاختلافات إلى الأصوات القصيرة، التي تُعد العامل الأساسي وراء الفروقات اللفظية والدالية بين الكلمات المتشابهة في الكتابة والمختلفة في المعنى.

لذا تناقش هذه الدراسة مقارنة الحركات القصيرة في اللغتين الفارسية والعربية ودورها في العمليات الصوتية والتغيرات الدالية. ويسعى الباحثون في هذا البحث إلى تحليل دور الحركات القصيرة في إحداث التغيرات اللفظية والدالية ومدى التوافق بينها في اللغتين العربية والفارسية، بهدف تقديم الفائدة للباحثين والمهتمين بالدراسات الصوتية بين هاتين اللغتين.

الكلمات المفتاحية: اللغة العربية، اللغة الفارسية، الحركات القصيرة، التغير الدالي.

Abstract

The Arabic and Persian languages have significantly intertwined due to various circumstances and factors. Despite belonging to different linguistic families, these two languages share certain similarities in their vocabulary. Persian, an Indo-European language, is considered the second most important language in the Islamic world after Arabic. It has been a medium for thought, knowledge, poetry, and literature through different eras.

Due to proximity, interaction, the adoption of Islam, and the borrowing of the Arabic script, both languages have borrowed extensively from each other. The pronunciation of many Arabic words borrowed by Persians differs; for example, the Arabic word «قطار» (qetär) pronounced with a kasra becomes «قطار» (qatär) with a fatha in Persian. Similarly, «عراق» (Eraq) pronounced with a kasra becomes «عراق» (Araq) with a fatha.

Moreover, some original Persian words differ in pronunciation and meaning from their Arabic counterparts, creating homographs that differ in semantics. For instance, the Arabic word «خس» (Xas) has a different meaning than the Persian «خس» (Xas), which means fodder, while lettuce is called «کاهو» in Persian. There are also homographs that differ in pronunciation and meaning, like «در» (Dor) meaning jewels in Persian and «در» (Dar) meaning door.

The primary reason for these differences is the role of short vowels in causing variations in pronunciation and meaning among similar words. This research aims to highlight the role of short vowels in phonetic and semantic changes and to examine the alignment of these sounds between Arabic and Persian, aiding researchers in phonetic studies of these languages.

Keywords: Arabic language, Persian language, short vowels, semantic change.

چکیده:

زبان عربی و فارسی در اثر شرایط و عوامل مختلف به شکل قابل توجهی در هم آمیخته‌اند. بنابراین، می‌بینیم که این دو زبان در برخی از واژگانشان با هم شباهت دارند، هرچند که از دو خانواده زبانی مختلف هستند. زبان فارسی به عنوان یک زبان هندواروپایی، دومین زبان جهان اسلام بعد از زبان عربی محسوب می‌شود. و به عنوان ظرفی است برای اندیشه، دانش، شعر و ادب در طول دوره‌های مختلف شناخته شده است.

به دلیل همجواری، اختلاط و پذیرش دین اسلام و اقتباس خط عربی، این دو زبان بسیاری از واژگان را از یکدیگر قرض گرفته‌اند. تلفظ بسیاری از واژگان عربی قرض گرفته شده توسط فارسی‌زبانان متفاوت است. به عنوان مثال، کلمه عربی قَطَار - qetār به صورت قَطَار - qatār تلفظ می‌شود. این ویژگی همچنین در مورد کلمه عراق - Eraq صدق می‌کند که به صورت عراق - Araq تلفظ می‌شود.

علاوه بر این، واژگان اصیل فارسی نیز وجود دارند که تلفظ و معنای آن‌ها با معادل‌های عربی‌شان متفاوت است. برخی واژگان به لحاظ تلفظ و نگارش شبیه هم هستند اما معانی متفاوتی دارند، به طوری که به نظر می‌رسد جناس تام بین دو زبان مختلف وجود دارد. به عنوان مثال، کلمه

عربی خَس - Xas با کلمه فارسی خَس - Xas که به معنی کاه و علف است متفاوت میباشد، در حالی که به خس "کاهو" می‌گویند. برخی واژگان هر دو زبان از نظر نگارش یکسان هستند اما از لحاظ تلفظ و معنا متفاوتند، مثلاً کلمه دُر - Dor به معنی مروارید با کلمه دَر - Dar فارسی به معنی باب تفاوت دارد. دلیل این تفاوت‌ها به این برمی‌گردد که اصوات کوتاه عامل اصلی تفاوت‌های لفظی و معنایی بین واژگان مشابه به نگارش و متفاوت به معنا هستند.

در این مقاله به بررسی تطبیقی واکه‌های کوتاه زبان فارسی و عربی و نقش آنها در فرایندهای آوایی و تغییر معنایی پرداخته شده است. پژوهشگران در این پژوهش تلاش می‌کنند نقش این واکه‌های کوتاه را در ایجاد تغییرات لفظی و معنایی میزان تطابق این واکه‌ها را میان زبان عربی و فارسی بررسی کنند به منظور خدمت به محققانی که در مطالعات آوایی بین این دو زبان کار میکنند.

کلیدواژه‌ها: زبان عربی، زبان فارسی، واکه‌های کوتاه، تغییر معنایی

پیشگفتار:

تشابه واکه‌های کوتاه در زبان عربی و فارسی یکی از ویژگی‌های مهمی است که این دو زبان را از سایر زبان‌های دیگر متمایز می‌کند و جزء لاینفک از اصل زبان و ساختار آوایی و معنایی آنها است و همچنین یکی از دلایل رشد و تنوع معانی آنها بوده است. پدیده واژگان مشترک از مهم‌ترین پدیده‌های زبانی است که از سوی زبان‌شناسان قدیم و جدید مورد توجه گسترده قرار گرفته است تا مسیر و دامنه آن را مشخص کنند. ابن جنی معتقد است که اشتراک در زبان به سه نوع است: اشتراک در حروف: که اشتراک در تعداد حروف و مصوت‌های آنها، اشتراک در اسم‌ها: که اشتراک در معنا و اشتراک در افعال میباشد. این پدیده در بسیاری از زبان‌های دنیا وجود دارد و استعاره، وام‌گیری و تعریب نیز یکی از راه‌های واژگان مشترک هستند. در اینجا باید اشاره کنیم که وقتی در این تحقیق از واژگان مشترک صحبت می‌کنیم، منظورمان آن راه‌ها و واژگان مشترکی که قصد داریم درباره آنها صحبت کنیم که بین این دو زبان کاملاً متفاوت در اصول و ریشه‌های تاریخی آنها است.

همان‌طور که مشخص است، زبان عربی از خانواده زبان‌های سامی است و زبان فارسی از خانواده زبان‌های هندواروپایی. اما به دلایل مختلف و شناخته شده، این دو زبان به‌طور گسترده‌ای در هم آمیخته‌اند (از رسم حروف تا معانی و دلالت‌ها) با وجود تفاوت ریشه‌ای آنها، زبان فارسی به‌طور گسترده‌ای تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته است و «در سایه اسلام رشد کرده و در شکل جدید خود پدید شده است. پس از اینکه لباس عربی به تن کرده و به خط عربی نوشته شده است.» (ر.ک: الطرازی عبد الله، ۱۹۸۳: ۵) همچنین زبان عربی نیز از زبان فارسی بسیاری از واژگان را قرض گرفته است. ادی شیر زبان‌شناس عراقی در کتاب خود واژگان عربی شده می‌گوید:

«عرب‌ها بسیاری از واژگان را از زبان‌های ملل دیگر به زبان خود وارد کردند، اما زبانی که در آن دوران پیش‌تاز بود و زبان عربی بسیاری از واژگان را از آن قرض گرفته بود، زبان فارسی بود» (ادی شیر، ۱۳۸۹: ۱۰). بنابراین، پدیده وام‌گیری زبانی بین این دو زبان برای همه محققان و علاقمندان آشکار و واضح است. اما در اینجا باید اشاره کرد که نقش واژه‌های کوتاه بخش مهم از تأثیر متقابل بین این دو زبان بوده است. همچنین استفاده از خط عربی در نظام نوشتاری و نفوذ بسیاری از اصطلاحات عربی به زبان فارسی، موجب شده که فارسی‌زبانان از این واژه‌ها در حین قرض‌گیری کلمات عربی بهره ببرند، تا معنای دقیق واژه را تعیین کنند، زیرا که این واژه‌ها را نقش مهمی در تغییر معنا ایجاد کردند به دلیل تطابق در رسم کلمات و اصطلاحات فارسی با کلمات و اصطلاحات عربی قرض گرفته شده، و عدم قرار دادن این واژه‌های کوتاه را بالای حروف کلمات می‌تواند برای زبان‌آموزان فارسی و عربی ابهام ایجاد کند. بنابراین تحقیق ما در حوزه مطالعات زبان‌شناسی مقایسه‌ای است و در آن به مقایسه واژه‌های کوتاه در زبان‌های عربی و فارسی از طریق وجوه شباهت و تفاوت آن‌ها پرداخته‌ایم. همچنین نقش آن‌ها در ساختار زبانی و آوایی و تغییر معنایی در کلمات مشابه را بر اساس علم زبان‌شناسی مدرن و زبان‌شناسی مقایسه‌ای مورد بررسی قرار داده‌ایم. هدف از این کار، اسان کردن یادگیری زبان فارسی برای زبان‌آموزان و نشان دادن جنبه‌های تأثیر و تأثر بین این دو زبان و بررسی وجوه شباهت و تفاوت در واژگان مشابه به شکل و متفاوت در معنا بین این دو زبان می‌باشد.

مساله تحقیق

بسیاری از پژوهشگران و متخصصان در دو زبان فارسی و عربی دچار اشتباهات زیادی می‌شوند، از جمله عدم تلفظ صحیح واژگان بین این دو زبان؛ به دلیل شباهت در رسم الخط از یک سو و تفاوت در تلفظ واژگان از سوی دیگر. این امر به تفاوت واژه‌های کوتاه بین این واژگان برمی‌گردد که در زبان فارسی برخلاف واژگان عربی بر روی کلمات نوشته نمی‌شوند. می‌توان گفت مشکل پژوهش در اشکالی خلاصه می‌شود که ممکن است فرستنده و گیرنده در هنگام ارتباط با آن مواجه شوند، به دلیل اشتراک لفظی و معنایی کلمات و اصطلاحات رایج بین آن‌ها یا در تعیین معنای دقیق در هنگام ترجمه بین دو زبان عربی و فارسی که به دلیل تداخل زبانی عمیق رخ می‌دهد. به عنوان مثال، برخی نمی‌توانند بین کلمه عربی دَوْر - dawr به معنای نوبت و کلمه فارسی دور به معنای بعید تمایز قائل شوند. همچنین مشکلاتی که زبان‌آموزان هر دو زبان در تعیین معنای دقیق به دلیل این تداخل زبانی با آن مواجه می‌شوند.

اهداف تحقیق

این پژوهش به دنبال تبیین نقش واکه‌های کوتاه و اثر آن‌ها در تلفظ صحیح واژگان مشابه بین دو زبان عربی و فارسی است، تا معنای دقیق را به گیرنده از استفاده از واکه‌های کوتاه روی نشانه‌های نوشتاری هنگام نوشتن مشخص کند. همچنین به بررسی تقطیع آوایی واژگان مشابه به لحاظ شکل و متفاوت به لحاظ تلفظ برای دستیابی به تلفظ صحیح واژگان یا از طریق تلفظ در هنگام ارتباط گفتاری بین فرستنده و گیرنده می‌پردازد. همچنین این پژوهش از پژوهشگران علاقه‌مند و مترجمان متخصص در این زمینه دعوت می‌کند تا به این جنبه توجه کنند، با تمرکز بر تأثیر مصوت‌های کوتاه کلمات عربی و فارسی و نقش آن‌ها در تغییر معنایی که در نتیجه مسیر معنای متن ترجمه شده را تغییر خواهد داد.

اهمیت تحقیق

پس از تداخل عمیق و گسترده بین دو زبان عربی و فارسی در دو سطح نوشتاری و گفتاری، لازم است که نقش این واکه‌های کوتاه را تعیین کنیم؛ تا معنای دقیق این کلمات و اصطلاحات وریشه‌های آن‌ها را از طریق استفاده از واکه‌های کوتاه در هر دو زبان مشخص شود و از اشتباه و ابهامی که ممکن است به دلیل تداخل زبانی و شباهت لفظی و شکلی (نگارشی) که در این واژگان رخ می‌دهد جلوگیری شود.

سؤالات تحقیق

- در این پژوهش، پژوهشگران تلاش می‌کنند به چندین سؤال که ممکن است به ذهن محققان و علاقه‌مندان به وجود بیاید پاسخ دهند، از جمله:
۱. اهمیت نگارش واکه‌های کوتاه یا اشاره به آن‌ها در تعیین معنای دقیق چیست؟
 ۲. تأثیر عدم نگارش یا تلفظ واکه‌های کوتاه در تغییر معنا چقدر است؟
 ۳. ویژگی‌های واکه‌های کوتاه بین دو زبان چیست؟
 ۴. آیا واکه‌های کوتاه بخشی از فرآیند تأثیر و تأثر بین دو زبان عربی و فارسی بوده‌اند؟

پیشنه ی تحقیق

مطالعات زیادی به موضوع تداخل و تأثیر و تأثر بین زبان‌های مختلف پرداخته‌اند، چه از یک خانواده زبانی باشند و چه از خانواده‌های مختلف، همان‌طور که در زبان عربی و فارسی صورت گرفته است. پدیده قرض‌گیری زبانی که نتیجه این تداخل است، یکی از پدیده‌های طبیعی زبان است که در اکثر زبان‌های دنیا به دلایل و عوامل مختلفی مانند پذیرش دین اسلام، موقعیت جغرافیایی، تبادل تجاری، ورفت و آمد صورت گرفته بود. اما موضوع تداخل و قرض‌گیری بین زبان عربی و فارسی به حدی رسیده است که حتی به شباهت در نوشتار و تلفظ در گفتار منجر شده

است. در اینجا لازم بود که حدود هر زبان را در چارچوب‌های اساسی که بر آن‌ها تأسیس شده‌اند قرار دهیم وقواعد دلالت‌های آن‌ها را که بر اساس آن‌ها شکل گرفته‌اند تثبیت کنیم تا جنبه‌های تأثیر و تأثر بین آن‌ها را روشن کنیم. در این تحقیق، ما به جنبه صوتی (مصوت‌های کوتاه) و نقش آن‌ها در تغییر معنای واژگان زبان عربی و فارسی پرداخته‌ایم. تحقیقاتی که در این زمینه دیده شده است عبارتند از:

«وامواژه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی» نگارش: حیات عامری، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵. این مطالعه به املاء و تغییر معنای کلمات قرض‌گرفته بین عربی و فارسی و همچنین ارتقاء و نزول معنا و اختلاف در حوزه‌های استفاده آن‌ها بین دو زبان پرداخته است

«کوتاه‌شدگی واکه‌ای در زبان فارسی» نگارش: یونس عزیزیان و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا، دوفصلنامه علمی پژوهشی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷. این مطالعه به مصوت‌های کوتاه در زبان فارسی و تأثیر آن‌ها در املاء فارسی و تغییرات آن پرداخته است»

«بررسی روابط معنایی واژگانی واژه‌های بسیط معاصر عربی در فارسی» نگارش: علی جوشنی، علی ایزانلو، علیرضا آزاد، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی - عربی سال ۳، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷. این مطالعه از مطالعات مقایسه‌ای است که بر شش نوع از روابط معنایی بین واژه‌های عربی و فارسی تکیه دارد و این روابط عبارتند از: هم‌معنایی، شمول معنایی، تقابل معنایی، جزءواژگی، واحدواژگی و عضوواژگی.

همچنین مطالعات عربی نیز به اصوات زبانی در زبان عربی پرداخته‌اند که ما از آن‌ها در این پژوهش بهره برده‌ایم، از جمله:

«الأصوات اللغوية» نگارش: ابراهیم أنیس، قاهره: مطبعة نهضة مصر، بدون تاریخ ..
«علم الأصوات» نگارش: کمال بشر، قاهره: دار غریب للطباعة والنشر والتوزيع، ۲۰۰۰.
علاوه بر برخی مطالعاتی که به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند و به مصوت‌های کوتاه در زبان فارسی پرداخته‌اند، از جمله:

- Masoud Dehghan & Aliyeh Kord-e Zafaranlu Kambuziya, «A Short Analysis of Insertion in Persian», Theory and Practice in Language Studies, Vol. 2, No. 1, pp. 14-23, January 2012.

اما اکثر این تحقیقات به نقش واکه‌های کوتاه در تعاملات زبانی و تفاوت لفظی و معنایی بین زبان عربی و فارسی پرداخته نشده‌اند. پژوهشگران توانستند از طریق بررسی فرهنگ‌ها و منابع زبان‌شناسی مختص به زبان‌های عربی و فارسی، ۷۵ واژه مشابه را بین این دو زبان شناسایی کنند که محور پژوهش قرار گرفتند. بسیاری از این واژه‌ها تقریباً به‌طور کامل در تلفظ یکسان هستند و به نظر می‌رسد که آنها مشترک لفظی یا جناس تام از یک زبان واحد باشند، و برخی دیگر، اگرچه

شباهت واژگان در نوشتار پذیرفته شده است، اما واکه کوتاه بین این دو واژه دلیل اصلی تغییر معنایی بین آن‌ها بوده است. پژوهشگران در آوانویسی این کلمات با استفاده از الفبای آوانگاری بین‌المللی زبان فارسی بهره بردند؛ تا متخصصان و علاقمندان، به تلفظ صحیح واژه‌های مورد نظر دست یابند و برای صداهای کوتاه (فتحه - a، ضمه - o، کسره - e) را انتخاب کردند. در این تحقیق، گردآوری واژه‌ها و تجزیه و تحلیل اوایی آن‌ها بر اساس مجموعه‌ای از فرهنگهای معتبر تکیه شده است از جمله: معجم الواعد نوشته دکتر عبد الوهاب علوب، فرهنگ فرزبان فارسی - عربی نوشته دکتر سید حمید طبیبیان، و فرهنگ معاصر عربی - فارسی نوشته دکتر اذرتاش اذرنوش.

تداخل زبانی میان زبان عربی و فارسی

زبان عربی و فارسی از زمان‌های بسیار قدیم واژگان و اصطلاحات زیادی را از یکدیگر وام گرفته‌اند. این تبادل و تعامل زبانی بین این دو زبان را می‌تواند به دو دوره زمانی اصلی تقسیم کرد: دوره اول، دوره تأثیر واژگان فارسی بر زبان عربی است و دوره دوم، دوره تأثیر واژگان عربی بر زبان فارسی. تأثیر واژگان فارسی بر زبان عربی به دوران جاهلی باز می‌گردد، اما تعداد این واژگان بسیار کم است در مقایسه با دورانی که اسلام به ایران رسید. با شروع گسترش اسلام در کشورهای همسایه، به ویژه ایران، زبان عربی در این مناطق نفوذ کرد. اما در ایران، چیزها و مفاهیمی وجود داشت که معادل آن‌ها در زبان عربی نبود، زیرا قوم عرب با این مفاهیم در زندگی قبلی خود آشنا نبودند. این چیزها و مفاهیم شامل بسیاری از جنبه‌های زندگی می‌شد؛ از اصطلاحات مدنی و اداری و علمی گرفته تا ابزارهای زندگی شهری و ابزارهای صنعتگران و انواع غذاها و لباس‌ها و گل‌ها و گیاهان و هر چیز جدیدی که در ایران برای اولین بار دیدند (ر.ک: محمدی، ۱۹۷۴: ۱). در این دوره، زبان فارسی که تاریخ طولانی‌تری در منطقه داشت و در این اصطلاحات غنی‌تر بود، به کمک زبان عربی آمد. عربان از واژگان فارسی که در زبان خودشان وجود نداشت، استفاده کردند و البته در مواردی که برخی از حروف این واژگان در زبانشان وجود نداشت، تغییراتی در آن‌ها ایجاد کردند. به عنوان مثال، به کلمه تازه - طازج، پسته - فستق و تأبه - طاجن گفتند. این فرآیند بعدها بنام «تعریب» شناخته شد.

جوالیقی در کتاب خود «المعرب» می‌گوید: «تعویض حروف ضروری و اساسی در فرآیند ترجمه است تا حروف بیگانه وارد گفتار نشوند.» (ر.ک: الجوالیقی، ۱۹۶۹: ۵۴) زبان عربی نیز واژگان زیادی را از زبان‌های دیگر وام گرفته است، اما از بین همه این زبان‌ها، هیچ‌یک از نظر تعداد واژگان وام‌گرفته شده به اندازه زبان فارسی نبوده‌اند. ادی شیر، زبان‌شناس و أسقف أعظم کلیساهای کلدانی، در مقدمه کتاب خود «الالفاظ الفارسیة المعربة» می‌گوید: «قوم عرب واژگان زیادی را از زبان‌های ملل دیگر به زبان خود وارد کرده‌اند، اما زبانی که بیش از همه بر زبان عربی تأثیر گذاشته و از آن واژگان زیادی وام گرفته است، زبان فارسی است. این وام‌گیری تنها از قبایل همسایه ایرانیان نبوده است، بلکه می‌توان آن را در بین قبایل دورتر نیز مشاهده کرد» (ادی

شیر، ۱۳۸۹: ۱۰). بنابراین، زبان فارسی زبانی بود که بیشترین تأثیر را بر زبان عربی داشت. چنانکه قبلاً ذکر شد، زبان‌شناسان عرب بسیاری از رساله‌ها و کتاب‌ها را برای شناسایی این واژگان عربی شده از زبان فارسی تألیف کرده‌اند.

نتیجه این تأثیر متقابل، نزدیکی بین دو زبان و ظهور اشتراک زبانی بین دو زبان مختلف بود. واژه‌های کوتاه در تغییر تلفظ واژگان و ام‌گرفته شده از زبان عربی به زبان فارسی نقش داشتند. این واژگان گاهی تلفظ و معانی خود را حفظ کرده و گاهی تغییر می‌کنند. به عنوان مثال، در زبان عربی، واژه «خال» به معنای برادر مادر، خال در صورت، شتر بزرگ، وابر است. با این حال، با وجود اینکه این واژه عربی و ام‌گرفته شده تلفظ خود را حفظ کرده است، و برخی از معانی خود را از دست داده و در فارسی به معنای لکه کوچک بر روی چیزی، لکه، نقش و غیره هم استفاده می‌شود.

ویژگی های واژه‌های کوتاه در زبان عربی و فارسی

زبان عربی و فارسی دارای همان تعداد و تلفظ واژه‌ها هستند، به طوری که در هر دو زبان شش واژه وجود دارد؛ سه واژه بلند شامل (أ - ä، ای - i، او - u) و سه واژه کوتاه (فتحه - a، ضمه - o، کسره - e)

۱. واژه‌های کوتاه در زبان عربی

تولید این مصوتها با صامتها تفاوت دارد، زیرا «در هنگام تلفظ آنها هیچ مانع یا اصطکاکی وجود ندارد و هوا به صورت آزاد و روان از دهان خارج می‌شود.» (ر.ک: **المطلبی**، ۱۹۸۴: ۴۲، ۴۱) و واژه‌های کوتاه نصف واژه‌های بلند را تشکیل می‌دهند؛ اگر برای واژه‌ی کوتاه عدد یک را در نظر بگیریم، عدد واژه‌ی بلند دو خواهد بود. دکتر ابراهیم انیس در کتاب خود الاصوات اللغویه می‌گوید: برخی از قدا همانند محدثان احساس می‌کردند که تفاوت بین فتحه، و ألف مد، فقط تفاوت در کمیت است. همین‌طور تفاوت بین یاء مد، و واو مد، در مقایسه با کسره و ضمه. (ر.ک: انیس: ۲۰۰۷: ۳۹) بنابراین، خلیل در کتاب العین می‌گوید که «فتحه از ألف، کسره از یاء، و ضمه از واو» است (ر.ک: **المخزومی**، ۲۰۲۰: ۴۱) و عرب‌ها به آنها «حرکات» می‌گویند (ر.ک: **همان**: ۴۲)

آنچه استاد زبان‌شناسی احمد الطیبی ذکر می‌کند این است که: اولین شروع واقعی در راه فهم کتاب خدا و حفظ آن از تحریف به روزی برمی‌گردد که آن بادیه‌نشین آیه شریفه (أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ) (توبه: ۳) را به اشتباه خواند. او در هنگام خواندن لام «رسوله» را به جای ضمه به کسره خواند و این خطا به زبان در مصوتهایش و نیز به معنا و دلالتش ضربه زد. (ر.ک: **الطیبی**، ۲۰۱۰: ۱) آنچه در این روایت آمده است، فقط یک مثال واضح و روشن از میزان تأثیر مصوت‌های کوتاه در تغییر معنا و مفهوم کلی متن در صورت اشتباه در تلفظ آن‌ها هنگام صحبت یا نوشتن آن در یک متن مکتوب است.

۲. واکه‌های کوتاه در زبان فارسی

این مصوت‌ها در زبان فارسی، مصوت‌های کوتاه یا واکه‌های کوتاه نامیده میشوند. فتحه / واکه a در زبان فارسی واکه‌ای جلویی و کوتاه است که زمانی تولید می‌شود که زبان در کف دهان قرار دارد. (ر.ک: الدینی، ۱۳۶۴: ۷۵) یعنی وقتی جلوی زبان به سمت کام سخت بالا می‌رود، انقباضی ملایم از جلو به عقب رخ می‌دهد و هوا به صورت آزاد جریان می‌یابد و تارهای صوتی می‌لرزند. (ر.ک: ثمره، ۱۳۹۵: ۷۵) در حالی که کسره / واکه e واکه‌ای جلویی و کوتاه است. (همان: ۸۷، ۸۸) و ضمه / واکه o واکه‌ای عقبی و گرد کوتاه است. (همان: ۹۲، ۹۳، ۹۴). بنابراین، زبان فارسی مصوت‌های مشابهی را پذیرفته است، به عنوان مثال:

فتحه به فارسی زیر می‌گویند (-): «a» مانند در کلمه «بَدَن» (badan).

ضمّه (-): به فارسی پیش می‌گویند «u» مانند در کلمه «خُردن» (khordan).

کسره (-): به فارسی زیر می‌گویند "e" مانند در کلمه «بِه» (be).

این نشان می‌دهد که فارسی حرکات عربی را پذیرفته و آن‌ها را برای تطبیق با تلفظ فارسی کمی تغییر داده است. بنابراین، تطابق زیادی در بسیاری از کلمات عربی و فارسی به وجود آمده است که به نظر می‌رسد مانند کلمات مشترک یا جناس تام در یک زبان واحد است، مانند:

آس - Äs - حجر الرحي / آس - Äs - درخت مورد

بار - Bär - حمل / بار - Bär - وفادار

خس - Xas - شوک - وضع / خَس - Xas - کاهو

دار - Där - مشنقة / دار - Där - خانه

زخم - Zaxm - جرح / زخم - Zaxm - انگیزه

در حالیکه این مصوت‌ها در بسیاری از موارد باعث تفاوت در تلفظ کلمات مشابه در نوشتار شده‌اند و دلیل اصلی تغییر معنایی بین این کلمات بوده‌اند، مانند:

بر - Bar - علی / بر - Ber - وفاداری

ترس - Tars - خوف / ترس - Tors - سپر

جفت - Joft - زوج، نظیر / جفت - Jeft - موچین

در - Dar - باب / دُر - Dor - مروارید

رب - Rob - صلصة - معجون / رِب - Rab - خدا

این نشان می‌دهد که در صفات واکه‌های کوتاه (حرکات) بین زبان‌های عربی و فارسی هیچ تفاوتی وجود ندارد.

نقش واکه‌های کوتاه در ساختار هجای صوتی در زبان عربی و فارسی

ساختار کلمه در زبان‌های عربی و فارسی با یک صامت شروع می‌شود که به دنبال آن یک واکه می‌آید، چه این واکه بلند باشد یا کوتاه. این ویژگی مشترک دیگری بین این دو زبان به شمار می‌رود.

۱- هجای صوتی در زبان عربی:

در اصطلاح آواشناسی در زبان عربی، هجای صوتی به هر واحد صوتی گفته می‌شود که: با یک صامت شروع می‌شود، سپس یک واکه می‌آید و قبل از اولین صامت که با واکه دیگری همراه باشد، یا جایی که زنجیره گفتاری قبل از رسیدن به قید به پایان می‌رسد، خاتمه می‌یابد. (ر.ک: النعیمی، ۱۹۹۸: ۸) دکتر عبد الصبور شاهین بر این باور است که هجا «ترکیبی از یک صامت و یک حرکت» است. (ر.ک: شاهین، ۱۹۸۰: ۳۸). از ترکیب صامت‌ها با واکه‌ها هجاهای صوتی شکل می‌گیرند. زبان عربی دارای گروه‌هایی از هجاهای صوتی است که هر گروه از چند هجا تشکیل شده و این هجاها به طور نزدیک با یکدیگر متصل و هماهنگ هستند. بنابراین، کلام عربی مجموعه‌ای از هجاهای صوتی است و هر مجموعه از آن‌ها کلمه نامیده می‌شود. بر این اساس، کلمه تنها بخشی از کلام است که معمولاً از یک هجا یا چند هجا تشکیل شده و به طور نزدیک با هم متصل هستند. تعداد هجاهای صوتی در زبان عربی بیش از هفت هجا نمی‌شود، مانند کلمات (أنلزمکموها، فسیکفیکهمو) که نادر هستند و در اکثر موارد بیشتر از چهار هجا نیستند. زبان عربی در هجاهایش تمایل به صامت (یعنی به پایان رسیدن با یک صامت) دارد و توالی هجاهای متحرک، به خصوص زمانی که حاوی واکه‌های کوتاه باشند، کمتر است. بر این اساس، ابراهیم انیس هجای عربی را به پنج نوع تقسیم می‌کند. (ر.ک: انیس، بلات: ص ۸۷-۹۱)

ت	فرم واج شناختی	هجاهای فارسی
۱	صامت + حرکت کوتاه	Cv
۲	صامت + حرکت بلند	cv:
۳	صامت + حرکت کوتاه + صامت	Cvc
۴	صامت + حرکت بلند + صامت	cv:c
۵	صامت + حرکت کوتاه + صامت + صامت	Cvcc

برخی کلمات با وجود اینکه از یک هجا تشکیل شده‌اند، معنای واضحی دارند حتی کوتاهترین هجاها، یعنی (CV) مانند (ق) که فعل امر از (وقی) است و همچنین (وعی - ع، وفی - ف، رأی - ر، ... و غیره). مانند بیت شعری زیر: (ر.ک: الطبان، ۱۹۹۸: ۵۵)

إني أقول لمن تُرجى شفاعته ... ق المستجير، قِياه قُوه قِي قَيْنَ

اما هجا (CV): مانند: ذي، ذا، ذو، يا النداء، ... و غیره. همچنین هجای (CVC) مانند: يد، خد

، قُل، حُب ، سَل ... و غیره . و مثال هجای (CV:C) مانند: جاد ، حاد، حور، ... و غیره . و در نهایت هجای (CVCC) مانند : سَما، سُمُو، قَلْب ، حَبَس ، ... و بسیار از نمونه های دیگر وجود دارد . شایان ذکر است که مثال های که بالا آمده است از هجاها فقط برای نشان دادن و توضیح شکل هجایی کلمات با معانی و دلالت های جداگانه است.

۲- هجای صوتی در زبان فارسی

در زبان فارسی به واحد صوتی (هجا) گفته می شود. نصیرالدین طوسی در کتاب "شعر و شاعران" آن را به عنوان پیوندی بین صامت و واکه تعریف کرده است، زیرا شروع با صامت بدون واکه ممکن نیست. اگر واکه کوتاه بیاید، هجای کوتاه نامیده می شود و اگر واکه بلند بیاید، هجای بلند نامیده می شود. (معظمه، ۱۳۷۰: ۱۶۹). انواع دیگری از هجاها در زبان فارسی وجود دارد، مانند هجای کشیده که بیش از دو صامت و واکه دارند، مانند کلمه (دوست - dust) که از سه صامت و یک واکه بلند تشکیل شده است. این تعریف توسط دکتر مهری باقری در کتاب خود "مقدمات زبان شناسی" نیز تأیید شده است، جایی که هجا به عنوان مجموعه ای صوتی تعریف می شود که از یک صامت و واکه یا از دو صامت و واکه و یا از سه صامت و واکه تشکیل شده می شود. (باقری، ۱۳۹۶: ۱۱۸، ۱۱۹)

بنابراین، در زبان فارسی کلمات از یک یا چند هجا تشکیل میشوند. هجا از یک مصوت واجب تشکیل شده که به طور بالقوه توسط صامت احاطه می شود. همچنین، یک مصوت به عنوان هسته هجا عمل می کند و یک صامت در حاشیه هجا رخ می دهد. علاوه بر این، هجاهای فارسی همیشه یکی از این الگوها یعنی (V، CV، CVC، CVCC، VC، VCC) را پیروی میکنند. جدول زیر ساختار هجای فارسی را توضیح می دهد. (رک: Dehghan & Kambuziyya ۲۰۱۲، ۱۵).

فرم آوایی	فرم واج شناختی	هجاهای فارسی	نمونه
?u:	u:	V	او
Bu:	bu:	CV	بو
Bar	Bar	CVC	بر
Sard	Sard	CVCC	سرد
?ab	ab	VC	آب
?abr	Abr	VCC	ابر

اما باید اشاره کرد گاهی تفاوت زبان ها در برخورداری از انواع هجا بسیار متفاوت می شود. برای مثال حق شناس انواع هجا را در زبان انگلیسی بیش از بیست نوع ذکر می کند. با این حال به نظر می آید زبان فارسی و عربی علی رغم تفاوت در ریشه به لحاظ انواع هجا چندان متفاوت نباشند (رك: نظری، ۱۳۹۶: ۱۸۵-۱۸۶)

فرث، زبان شناس معاصر؛ به فرآیند درج واج بین دو صامت با (INSERTION AND EPENTHESIS) اشاره کرد وگفت: فرآیند گنجانیدن: مفهومی که عنصر جدیدی به یک رشته اضافه می کند و از طریق آن عنصر صوتی در یک کلمه بنام EP (مخفف: EPENTHESIS) درج می شود. در چنین فرآیندی، قرار دادن متناوب یک صامت به منظور شکستن یک ترکیب صامت، ممکن است یک مصوت بین دو صامت وارد کند. طبق دیدگاه فرث، این عناصر در مرزهای دو یا دو هجا یا حتی بین دو کلمه متعلق به واحدهای بزرگتر واج ظاهر می شدند. این فرآیند در زبان های مختلف از جمله فارسی رخ می دهد. (رك: Dehghan & Kambuziya، ۲۰۱۲: ۱۶)

از آنچه قبلاً ذکر شد، مشخص است که توافق قابل توجهی در ساختار هجایی بین زبان عربی و فارسی وجود دارد. این توافق را می توان به عنوان عاملی مهم در فرآیند تداخل زبانی بین دو زبانی که در اصول و ریشه ها متفاوت هستند، در نظر گرفت، که این امر فرآیند وام گیری و قرض گیری در واژگان و اصطلاحات بین این دو زبان را آسان کرده است. به حدی که اغلب تشخیص منشاء این واژگان دشوار است که آیا عربی یا فارسی هستند؟ حتی در مقدس ترین کتاب های آسمانی که مهم ترین منبع حفظ زبان عربی از نابودی است یعنی قرآن کریم نیز این موضوع مشاهده می شود، زیرا زبان شناسان اولیه عرب وجود بسیاری از واژگان فارسی که در قرآن کریم به کار رفته و بخشی جدایی ناپذیر از زبان عربی شده اند را ثابت کرده اند. از جمله این واژگان که جوالیقی در کتاب خود «المعرب من الکلام الاعجمي على حروف المعجم» ذکر کرده است، عبارتند از: سجیل، زور، سراق، کنز و غیره (الجوالیقی، ۱۹۹۸: ۱۸۱-۱۶۵-۲۰۰). قابل ذکر است که عرب ها تمایل به وام گیری و قرض گیری اسم ها دارند نه فعل ها. اما زبان فارسی حتی فعل های عربی را با اضافه کردن پسوندها و تشکیل افعال جعلی و افعال مرکب قرض گرفته است، مانند: فهمیدن، بلعیدن، عمل کردن، ظاهر شدن، توضیح کردن

نمونه های مورد نظر

مطالعات زبانی برای بررسی هر پدیده زبانی که ممکن است در یک زبان وجود داشته باشد، بر اساس نمونه هایی از واژه ها و کلمات متداول در همان زبان است که پژوهشگر ارائه و بررسی می کند تا تمامی دیدگاه هایی که در طی بخش های تحقیق به آن ها می پردازد، روشن و واضح شوند. بنابراین، در این تحقیق به جمع آوری مجموعه ای منتخب از واژه های عربی و فارسی پرداخته ایم که از نظر لفظی مشترک هستند اما از نظر دلالت و معنی متفاوت می باشند، یا ممکن است در رسم الخط کلمات مشابه باشند و نقش مصوت کوتاه در تغییر تلفظ یا حتی هجای آن ها با

دلالت‌های متفاوت نقش داشته باشد، و این با توجه به صداهاى موجود در هر نظام صوتى در هر زبان انجام مى‌شود. اینجا نقش اساسى فرآیند تداخل زبانی بین این دو زبان روشن مى‌شود، خواه از طریق قرض‌گیرى یا وام‌گیرى زبانی و غیره. از همه این‌ها، در زیر مجموعه‌اى از کلمات منتخب از هر دو زبان عربى و فارسى را با ذکر دلالت‌هاى آن‌ها آورده‌ايم، و همچنین روش تلفظ آن‌ها را با استفاده از سیستم لاتین‌نویسى بیان کرده‌ايم تا خواننده و علاقه‌مند بتواند تلفظ صحیح آن‌ها را بشناسد و آن‌ها را از معادل‌هایشان در زبان دیگر مشخص کند. همچنین، تغییرات صوتى که ممکن است بر برخى واژه‌هاى عربى در خلال انتقال آن‌ها رخ داده بود، توضیح داده شده است.

ردیف	کلمه فارسی	تلفظ	معنى عربى	کلمه عربى	تلفظ	معنى فارسى
۱	آس	Äs	حجر الرحى	آس	Äs	درخت مورد
۲	اخت	Axt	مانوس	أخت	Oxt	خواهر
۳	ارز	Arz	عملة	أرز	Arz	درخت سدر
۴	اسباب	Asbäb	متاع، ادوات	أسباب	Asbäb	دلایل
۵	اصلاح	Esläh	حلاقة	إصلاح	Esläh	بازسازی
۶	اهلى	Ahli	داجن، اليف	اهلى	Ahli	فاميلم
۷	باج	Bäj	اتاوة	باج	Bäj	کارت تعريفى
۸	بار	Bär	حمل	بار	Bär	وفادار
۹	بحران	Bohrän	ازمة	بُحْران	Bahrän	دو دریا
۱۰	بخور	Boxor	كُل - فعل امر	بُخُور	Boxur	عود خوشبو
۱۱	بر	Bar	على	بَر	Bar	زمین
				بر	Ber	وفادارى
۱۲	برد	Bord	مدى	بَرْد	Bard	سردى
۱۳	بردى	Bordi	اخذت - فعل ماض	بَرْدِى	Bardi	پاپيروس
۱۴	برده	Barde	عبد	بُرْدِه	Borde	جامه خواب
۱۵	بغل	Baqal	جانب، ابط	بَغْل	Baql	قاطر
۱۶	به	Beh	سفرجل	بِه	Behe	در آن
۱۷	بها	Bahä	قيمة	بِها	Beha	در آن
۱۸	بهار	Bahär	ربيع	بَهار	Bahär	ادويه
۱۹	بهر	Behr	لاجل	بَهر بُهر	Bahr	فريب
					Bohr	نفس گرفتگى
۲۰	بلد	Balad	عالم، معرفة	بَلَد	Balad	کشور

دانه قهوه	Bon	بُن	أصل، جذر	Bon	بن	۲۱
میان	Bayna	بَيْنَ	رؤية	Bin	بین	۲۲
جدائی	Bayn	بَيْنَ				
توبت کرد	Taba	تَابَ	ارجوحة مقلدة	Täb Tabe	تاب تابه	۲۳
سپر	Tors	تَرَسْ	خوف	Tars	ترس	۲۴
دست برداشتن	Tark	تَرَكَ	صدع	Tarak	تَرَكَ	۲۵
ارث	Tareka	تَرَكَة	غصن رفیع	Tarke	ترکه	۲۶
موچین	Jeft	جَفَت	زوج – نظیر	Joft	جفت	۲۷
الفبا	Harf	حَرْف	کلام	Harf	حرف	۲۸
کاهو	Xas	خَس	شوك، وضع	Xas	خس	۲۹
بینی	Xašm	خَشَم	غضب	Xašm	خشم	۳۰
سرکه	Xal	خَل	أحمق، مجنون	Xol	خل	۳۱
دوست صمیمی	Xel	خِل				
خانه	Där	دار	مشنقة	Där	دار	۳۲
مروارید	Dor	دُر	باب	Dar	در	۳۳
نوبت	Dawr	دَوْر	بعید	Dur	دور	۳۴
چرخش	Dawaran	دَوْران	عصر – عهد	Dowrän	دوران	۳۵
جمع کرم	Dud	دود	دخان	Dud	دود	۳۶
خون	Dam	دَم	نفس – نسمة	Dam	دم	۳۷
روغن	Dehän	دِهَان	فم	Dahän	دهان	۳۸
کرم	Duda	دودة	اسرة	Dude	دوده	۳۹
شگفت زده	Daheš	دَهَش	عطاء، کرم	Daheš	دهش	۴۰
خدا	Rab	رَب	صلصة – معجون	Rob	رب	۴۱
برنج	Roz	رُز	کرمة – عريشة	Raz	رز	۴۲
برکناری	Raft	رَفَت	ذهب	Raft	رفت	۴۳
خوراک	Zäd	زَادَ	ابن	Zäde	زاده	۴۴
افزود	Zäda	زَادَ				
مشتري	Zobun	زُبُون	محتقر – مهان	Zabun	زبون	۴۵

انگیزه	Zaxm	زخم	جرح	Zaxm	زخم	۴۶
بدبو	Zexm	زخم				
کلید برق	Zer	زر	ذهب	Zar	زر	۴۷
راز	Ser	سر	رأس	Sar	سر	۴۸
روایت کردن	Sard	سرد	بارد	Sard	سرد	۴۹
ریخته گری	Sabk	سبك	خفيف	Sabok	سبك	۵۰
راه	Sabil	سبیل	شارب	Sebil	سبیل	۵۱
گروه	Serb	سرب	رصاص	Sorb	سرب	۵۲
راه آهن	Sekka	سكة	قطعة نقدية	Sekke	سكه	۵۳
زهر	Sam	سم	حافر	Som	سم	۵۴
زاج سفید	Šab	شب	لیل	Šab	شب	۵۵
موی سفید	Šayb	شيب	انحدار - میلان	Šib	شيب	۵۶
برهنه	Äreya	عارية	استعارة	Äreye	عاريه	۵۷
چشمه	Aynak	عينك	نظارة	Eynak	عينك	۵۸
خیانت	Qeš	غش	اغماء	Qaš	غش	۵۹
پوستین	Farw	فرو	تحت، أسفل	Foru	فرو	۶۰
سختوتمندی	Karam	كرم	دودة	Kerm	كرم	۶۱
چند	Kam	كم	قليل	Kam	كم	۶۲
مخ	Lob	لب	شفاه - حافة	Lab	لب	۶۳
نیست	Laysa	ليس	لعقة - لحسة	Lis	ليس	۶۴
چه چیز	Mä	ما	نحن	Mä	ما	۶۵
دست زدن	Mas	مس	نحاس	Mes	مس	۶۶
مهریه	Mahr	مهر	محبة - مودة	Mehr	مهر	۶۷
از خاک در اوری	Nabš	نبش	رکن الشارع	Nabš	نبش	۶۸
پرخور	Nahem	نهم	التاسع	Nohom	نهم	۶۹
گربه	Her	هر	كل	Har	هر	۷۰
ترد	Haš	هش	عقل	Haš	هش	۷۱
آیا	Hal	هل	دفعه - ضغطة	Hol	هل	۷۲
اندوه	Ham	هم	ايضا	Ham	هم	۷۳
آن دو	Homä	هما	طائر السعد	Homä	هما	۷۴
روان شدن	Hamä	هما				
معما، چیستان	Loqz	لغز	زلة	Laqz	لغز	۷۵

در این مقاله به بررسی تطبیقی واکه های کوتاه زبان فارسی و عربی و نقش آنها در فرایندهای آوایی و تغییر معنایی پرداخته شده است. مطالعات زیادی درباره تداخل زبانی بین دو زبان عربی و فارسی انجام شده است، زیرا این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است و ذهن علاقمندان و پژوهشگران این دو زبان را به خود مشغول کرده است. دلیل این توجه فراوان، وسعت و میزان تداخل موجود بین این دو زبان است، علیرغم تفاوت در اصول وریشه های آنها. اکثر این مطالعات به بررسی دلایل و انگیزه هایی که به این تداخل منجر شده، پرداخته است و همچنین به جنبه معنایی آن توجه کرده است. اما هیچ مطالعه ای که به جنبه آوایی و تأثیر مصوت های کوتاه در فرایند این تداخل بپردازد، پیدا نکردیم، بنابراین مطالعات آوایی تنها به یک جنبه از این موضوع پرداخته اند. لذا پس از مطالعه هر دو جنبه و قرار دادن آنها در یک تحقیق تطبیقی، توانستیم دلایل جدید و مهمی را برای این تأثیر و تأثر پیدا کنیم که همان نزدیکی در فرایندهای آوایی هر دو زبان است که به عنوان گذرگاه اصلی نفوذ و تبادل کلمات و معانی بین آنها عمل می کند. بدون این نزدیکی در هجای عربی و فارسی، تداخل زبانی به این سطح نمی رسید.

شک نیست، زبان عربی اصیل تر از زبان فارسی معاصر است و تأثیر بیشتری بر آن دارد به دلایل زیادی و معروف که در این تحقیق ذکر کرده ایم. بنابراین ممکن است کسی فکر کند که زبان فارسی حتی سیستم الفبایی و آوایی خود را از عربی گرفته است، اما این امر کاملاً غیرممکن است؛ زیرا هر زبان ویژگی ها و خصوصیات خود را دارد که بر اساس توانایی های آوایی و محیطی که در آن رشد کرده است، شکل گرفته است. ایرانیان ممکن است از الفبای عربی بهره مند شده و از آن استفاده کرده باشند، اما این امر بدون وجود ابزار و توانایی هایی که به آنها امکان استفاده از آن را بدهد، امکان پذیر نیست و این بهر مندی باید با محیط زبانی آنها سازگار باشد که نمی توان از آن جدا شد، به ویژه در جنبه آوایی. دلیل این ادعا ناتوانی فارسی زبانان در تلفظ بسیاری از صامت های زبان عربی است، هر چند از آنها در نگارش و نوشتار استفاده می کنند، اما آنها را به شکلی که با نظام آوایی زبان فارسی سازگار است، تلفظ می کنند. پژوهشگران در آغاز این تحقیق پرسش هایی مطرح کرده اند که ممکن است به ذهن متخصصان و علاقمندان این حوزه بیاید و تلاش کرده اند به آنها از طریق نتایجی که در این تحقیق به دست آورده اند، پاسخ دهند. از جمله این پرسشها میتوان به چند سوال زیر اشاره کرد.

۱. اهمیت نگارش یا اشاره به مصوت های کوتاه در تعیین معنای دقیق چیست؟

مصوت های کوتاه، که به نام «حرکات» در زبان عربی نیز شناخته می شوند، نقش حیاتی در تعیین معنای دقیق در هر دو زبان عربی و فارسی ایفا می کنند. در زبان عربی، حرکات (ضمه، فتحة، کسرة) به تلفظ هجاهای متحرک کوتاه اشاره دارند و به طور مستقیم بر معنا تأثیر می گذارند.

به عنوان مثال، تفاوت بین کلمه «کُنْتُ» (جمع کتاب‌ها) و «کَتَبْتُ» (نوشت) به شدت به این حرکات وابسته است. در زبان فارسی، مصوت‌های کوتاه شامل فتحة (a)، کسرة (e)، و ضمه (o) هستند. با وجود اینکه این زبان از الفبای عربی استفاده می‌کند و این مصوت‌های کوتاه در تلفظ و عملکرد با حرکات عربی تطابق دارند، اما بیشتر کلمات آن را به بافت بستگی دارد تا معنا را مشخص کند، زیرا این مصوت‌ها بر روی نشانه‌های نوشتاری همانند زبان عربی قرار نمی‌گیرند. با این حال، هنوز هم از مصوت‌ها برای تعیین تلفظ و معنا در بسیاری از موارد استفاده می‌شود.

۲. تأثیر عدم نگارش یا تلفظ مصوت‌های کوتاه بر تغییر معنا چقدر است؟

عدم نگارش یا تلفظ حرکات کوتاه در زبان عربی می‌تواند تغییرات بزرگی را در معنا ایجاد کند و ابهامی در متونی که بدون نوشتن این مصوت‌ها خلق کند، و برای خواننده ناآشنا، فهم معنای مورد نظر دشوار می‌سازد. برای مثال، کلمه «علم» می‌تواند به «عِلْم» (دانش)، «عَلَم» (پرچم)، یا «عِلْم» (دانست) تبدیل شود. بنابراین، این مصوت‌ها / حرکات به فهم تفاوت بین این معانی کمک می‌کنند و نبود آن‌ها می‌تواند منجر به تفسیرهای متعدد از متن شود، که نیازمند اتکای زیاد به بافت برای تعیین معنای صحیح است. در زبان فارسی، تأثیر این مصوت‌ها کمتر است زیرا زبان بیشتر به بافت تکیه می‌کند، اما این مصوت‌ها هنوز در برخی موارد مهم هستند و عدم استفاده از آن‌ها می‌تواند به مشکلات مشابه منجر شود، به ویژه در کلماتی که معانی مختلفی بر اساس تلفظ دارند.

۳. ویژگی‌های مصوت‌های کوتاه بین زبان‌های عربی و فارسی چیست؟

همانطور که گفته شد، در زبان عربی، مصوت‌های کوتاه شامل فتحة، کسرة، ضمه و سکون هستند. این حرکات به طور گسترده در نوشتار استفاده می‌شوند، به ویژه در متون دینی و ادبی، برای توضیح معنای دقیق کلمات واکه‌های کوتاه (a)، (i)، (u) برای تعیین چگونگی تلفظ کلمات و تغییر معنای آن‌ها استفاده می‌شوند. در زبان فارسی، مصوت‌های مشابهی استفاده می‌شود اما با تمرکز کمتر بر مصوت‌های کوتاه و تمرکز بیشتر بر مصوت‌های بلند می‌باشد. مصوت‌های کوتاه فتحة (a)، کسرة (e)، و ضمه (o) در زبان فارسی به کار می‌روند، اما به روش‌های متفاوت و با تأکید کمتر بر تغییر معنا استفاده می‌شوند. در زبان فارسی، این مصوت‌ها بر روی نشانه‌های نوشتاری قرار نمی‌گیرند و کلمات معانی گسترده‌ای به اندازه زبان عربی ندارند.

۴. آیا مصوت‌های کوتاه بخشی از فرآیند تأثیر و تأثر بین زبان‌های عربی و فارسی بوده‌اند؟

با توجه به عوامل زیادی که باعث تأثیر و تأثر بین زبان عربی و فارسی شده‌اند، مانند پذیرش اسلام و استفاده از خط عربی در نوشتار و عوامل جغرافیایی، سیاسی، و تجاری که سبب ورود بسیاری از کلمات عربی به زبان فارسی بود، مشخص شده که این مصوت‌ها بخشی از فرآیند تأثیر متقابل بین این دو زبان بوده‌اند و زبان فارسی به طور قابل توجهی تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته و کلمات عربی مورد استفاده در این زبان غالباً مصوت‌های خود را برای تلفظ صحیح حفظ کرده است.

پژوهشگران حدود ۷۵ کلمه را ثبت کرده‌اند که نقش این مصوت‌های کوتاه در نزدیک شدن و دور شدن معنایی و لفظی بین زبان‌های عربی و فارسی نشان می‌دهند. اهمیت این تحقیق و نتایجی که به دست آمده است می‌تواند در های جدیدی را برای محققان و علاقه‌مندان باز کند تا به مطالعه بیشتر جنبه آوایی دو زبان عربی و فارسی بپردازند، که پایه اصلی هر زبان محسوب می‌شود و از آنجا زبان در قالب جمله معنا می‌یابد و مفهوم را بین فرستنده و گیرنده در فرآیند ارتباطی انتقال می‌دهد. علاوه بر این، اهمیت آشنا کردن دانشجویان و علاقه‌مندان به هر دو زبان با تفاوت‌های آوایی در تلفظ کلمات و اصطلاحات مختلف و معانی آن‌ها بین این زبان‌ها را نشان می‌دهد، که در جدول نهایی تحقیق با بسیاری از این اصطلاحات و معانی آن‌ها و نحوه تلفظ آن‌ها با وجود مصوت‌های کوتاه که نقش مهمی در تغییر آوایی، لفظی و معنایی آن‌ها ایفا کرده‌اند، به تفصیل آمده است.

منابع عربی

- القرآن الکریم

۱. إبراهيم أنيس، الأصوات اللغوية، القاهرة: مطبعة نهضة مصر، بلا ت.
۲. انيس، ابراهيم: الاصوات اللغوية، مكتبة الانجلو المصرية، ۲۰۰۷ م.
۳. الجواليقي، ابو منصور: المعرب من الكلام الاعجمي على حروف المعجم، بتحقيق وشرح، احمد محمد شاکر، الطبعة الثانية، مطبعة دار الكتب، ۱۹۶۹ م.
۴. _____ : _____ ، تحقيق : خليل عمران المنصور، بيروت: دار الكتب العلمية ، ۱۹۹۸.
۵. الطرازي، عبد الله مبشر: المختصر في قواعد اللغة الفارسية، عالم المعرفة للنشر والتوزيع، السعودية، الطبعة الاولى، ۱۹۸۳ م.
۶. شاهين، عبد الصبور: المنهج الصوتي للبنية العربية (رؤية جديدة في الصرف العربي)، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۹۸۰ م.
۷. الطيان ، محمد حسان : ما بُني من الأفعال على حرف واحد ،السعودية : مجلة الفيصل ، العدد ۲۸۴ ، عام ۱۹۹۸ م .
۹. الطيبي ، احمد : الاقتصاد المورفولوجي في التواصل اللساني ، الاردن ، عالم الكتب الحديث ، ط ۱ ، ۱۴۳۱ - ۲۰۱۰ .
۱۰. علوب، عبد الوهاب : الواعد معجم فارسی - عربی، الطبعة الاولى، القاهرة : دار تويلر، ۱۹۹۶.
۱۱. المخزومي، فاطمة محمد علي حسين: النسق الصوتي بين العربية والفارسية (دراسة تقابلية)، اطروحة دكتوراه: جامعة الكوفة: ۲۰۲۰.
۱۲. المطليبي، غالب فاضل: في الاصوات اللغوية دراسة في اصوات المد العربية، دائرة الشؤون الثقافية والنشر، ۱۹۸۴ م.

۱۳. النعیمی، حسام سعید: ابحاث فی اصوات العربیة، دار الشؤون الثقافية العامة، بغداد، الطبعة الاولى، ۱۹۹۸م.

منابع فارسی

۱. ادي شیر، واژه‌های فارسی عربی شده، تر: حمید طبیبیان، امیر کبیر، ۱۳۸۹.
۲. اذرنوش، اذرتاش: فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
۳. باقری، مهري: مقدمات زبانشناسي: چاپ صبا، تهران، چاپ بیستم، ۱۳۹۶.
۴. الدینی، مهدی مشکوة: ساخت اویي زبان، بحثی درباره صداهاى زبان ونظام ان، مؤسسه چاپ وانتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۶۴.
۵. ثمره، ید الله: اواشناسی زبان فارسی آواها وساخت آوایی هجا، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵.
۶. طبیبیان، حمید: فرهنگ فرزنان، فارسی – عربی، چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزنان روز، ۱۳۷۸.
۷. محمدی ملایری، محمد: فرهنگ ایران پیش از اسلام وآثار آن در تمدن اسلامی وادبیات عرب، تهران، توس، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
۸. معظمه، اقبالی: شعر وشاعری در آثار خواجه نصیرالدین طوسی“ به انضمام مجموعه اشعار فارسی خواجه ومثن کامل ومنقح معیار الاشعار، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۰
۹. نظری، علیرضا: تحلیل مقایسه ای ساختار وقواعد هجا) سیلاب (در عربی وفارسی، ادب عربی، سال ۹، شماره ۲، پاییز وزمستان، ۱۳۹۶.

منابع انگلیسی

- Masoud Dehghan & Aliyeh Kord-e Zafaranlu Kambuziya, *A Short Analysis of Insertion in Persian, Theory and Practice in Language Studies, Vol. 2, No. 1, pp. 14-23, January 2012.*